

دکتر رابرت ای. پترسون، انسانیت و گناه جلسه ۱۰، اهمیت گناه در دوران معاصر

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است. این جلسه 10، اهمیت معاصر گناه است. ماهونی، الهیات گناه برای امروز: توصیف کتاب مقدسی گناه

ما به سخنرانی‌هایمان در مورد دکترین گناه ادامه می‌دهیم. مقاله دی. ای. کارسون ما را با این موضوع آشنا می‌کند، او آن را «اهمیت معاصر گناه» می‌نامد، و او هنوز کاملاً به آن نقطه نرسیده است، اما گناه و شریعت

او درباره گناهی که به کار خدا و شیطان گره خورده صحبت کرده است، و سپس گناه، آن را گناهی می‌نامد که در ساختارهای الهیاتی مختلف، گناه و آموزه انسان، گناه و آموزه نجات، انسان‌شناسی، نجات‌شناسی، گناه و تقدیس، و چهارم، گناه و شریعت، گرفتار شده است. یوحنا به ما می‌گوید که گناه بی‌قانونی است، اول یوحنا اگرچه برخی این گفته را به عنوان تعریفی بسیار سطحی از گناه رد کرده‌اند، در واقع، وقتی به یاد بیاوریم ۳:۴ که شریعت چه کسی مد نظر است، تعریفی بسیار آموزنده و دردناک است. از نظر مفهومی، این گفته چندان که با این گفته که هر چه از ایمان نباشد، گناه است، فاصله ندارد.

وقتی به یاد بیاورید که کیست و چه کسی قرار است موضوع ایمان ما باشد، خیلی از تأکید عیسی دور نیست که مهم‌ترین فرمان، دوست داشتن خدا با قلب، روح، ذهن و قدرت است. وقتی درک کنیم که این همواره تنها فرمانی است که هر زمان که هر فرمان دیگری از خدا را زیر پا می‌گذاریم، شکسته می‌شود، به ما نشان می‌دهد که سرپیچی از یک قانون، تعریف خوبی از گناه است. نفرت از گناه در سرپیچی از خدا و قانون او نهفته است.

با این حال، رابطه بین گناه و شریعت پیچیده است. این رابطه در چندین محور جریان دارد. اولین محور که ما بیان کردیم این است که گناه، شکستن شریعت خدا و در نتیجه سرپیچی از خود خداست

این شامل انجام ندادن دستورات خدا و انجام دادن آنچه خدا نپسندیده است، می‌شود. به قول اعتراف عمومی، نقل قول: ما هیچ کاری را رها نکرده‌ایم، کارهایی را که باید انجام می‌دادیم، انجام ندادیم و کارهایی را که نباید انجام می‌دادیم، انجام داده‌ایم و هیچ سلامتی در ما وجود ندارد، نقل قول نزدیک. با این حال، اگر شریعت را در محور دیگری در نظر بگیریم، در واقع گناه را تحریک می‌کند و آن را به طغیان وامی‌دارد.

به عبارت دیگر، گناه چنان در دل سرکش است که اوامر و نواهی، به جای اینکه گناهکاران را قادر به غلبه بر، گناهشان کند، همان تأثیری را دارند که یک قانون در ذهن و قلب یک نوجوان نابالغ دارد. با کمی تغییر می‌توان دید که شریعت نه تنها در این سطح روانشناختی، بلکه در امتداد محور تاریخ رستگاری نیز عمل می‌کند. گناهی که منجر به مرگ می‌شود، مدت‌ها قبل از اعطای شریعت در سینا، رومیان ۵: ۱۳-۱۴، به وفور وجود داشته است، به طوری که وقتی شریعت به عنوان وحی‌ای که از طریق موسی داده شده است، در نظر گرفته می‌شود، شریعت نسبتاً دیر به صحنه آمده است.

اما یکی دیگر از کارکردهای فراوان آن، ایجاد ساختارهای پیچیده‌ای از خیمه، معبد، کهنات، سیستم قربانی و اعیادی مانند عید فصیح و روز کفاره است که همگی برای ایجاد مسیرهایی طراحی شده‌اند که ما را به سوی عیسی، که معبد نهایی، کاهن نهایی، قربانی نهایی، عید فصیح نهایی، و قربانی خونین نهایی در روز آخر کفاره است، می‌برند. بنابراین، شریعت، عیسی را که گناه را نابود می‌کند، وارد می‌کند. ما را به انجیل می‌رساند، که تنها قدرت خداست و نجات را به ارمغان می‌آورد.

شریعت نقش‌های زیادی در رابطه با گناه دارد، اما قدرت آزاد کردن گناهکار از قدرت بردگی و عواقب آن را ندارد. نشان دادن ارتباط گناه با هر ساختار الهیاتی مهمی که ریشه در کتاب مقدس دارد، آسان خواهد بود. هر چقدر هم که این ساختارها مهم باشند، بررسی ما در مورد تعدادی از آنها کافی خواهد بود.

کافی است. تأمل در باب گناه برای درک رنج و شر ضروری است. پنجم، راه دیگر برای نشان دادن حضور فراگیر گناه در تمام مباحث جدی الهیاتی، ترسیم جایگاه آن در تحلیل الهیاتی است که نسبت به انواع ساختارهای الهیاتی که تاکنون ذکر کرده‌ایم، ترکیبی‌تر و درجه دوتر است.

ما فقط یک مثال ارائه می‌دهیم. کارسون می‌گوید در طول هشت یا ده سال گذشته، سه یا چهار بار سخنرانی نسبتاً مفصلی در مورد تئودسیسه، مسئله شر در مقابل خدا، ارائه داده است. من هرگز آن را اینگونه خطاب نکرده‌ام؛ او می‌گوید همیشه عنوانی مانند «چگونه مسیحیان باید در مورد رنج و شر فکر کنند» داشته است.

، کاری که سعی کردم انجام دهم این بود که شش ستون اصلی را در زمین فرو کنم. این شش ستون، در کنار هم پایه و اساس کافی برای پشتیبانی از یک روش مشخصاً مسیحی برای تأمل در مورد شر و رنج فراهم می‌کردند. این شش ستون باید با هم در نظر گرفته می‌شدند.

یک ستون به خودی خود کاملاً ناکافی بود، و حتی چهار یا پنج ستون نیز به طرز خطرناکی ضعیف بودند و باعث می‌شدند سازه به خوبی پشتیبانی نشود. نکته جالب این است که همه ستون‌ها با گناه مرتبط هستند. نکته جالب این است که همه ستون‌های ساختمان کارسون به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم رنج و شر چه ارتباطی با گناه دارند.

اولین ستونی که من برجسب‌گذاری کردم، درس‌هایی از آغاز کتاب مقدس است. این شامل خلقت می‌شود که در آن خدا همه چیز، از جمله ازدواج را می‌سازد، به انسان‌ها مسئولیت سلطنت تحت امر خدا را می‌دهد، آنها را با محیطی ایده‌آل و مهم‌تر از همه، با حضور خود احاطه می‌کند و همه چیز را خوب اعلام می‌کند. روایت به سقوط، شروع بت‌پرستی، گناه و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آن، از جمله مرگ و بیگانگی از خدا، و نفرین‌های اعلام‌شده بر احزاب مختلف و معنای آنها می‌پردازد.

واقعیت تلخ این است که انسان‌ها حق خود را برای انتظار از خالق خود، خدا، برای عشق ورزیدن و مراقبت از خود، از دست داده‌اند، به طوری که اگر او این کار را انجام دهد، به این دلیل است که او بی‌نهایت مهربان‌تر از آن چیزی است که آنها شایسته آن هستند. تأمل الهیاتی در مورد نحوه‌ی طرح این مضامین در سراسر کتاب مقدس به ما یادآوری می‌کند که تمام جنگ‌ها، نفرت، شهوت، طمع، و تمام تجاوزها، بت‌پرستی، گناه و شورش انسان، حتی آنچه ما بلائای طبیعی می‌نامیم، در درجه‌ی اول یک فراخوان ضمنی برای توبه هستند. به گفته‌ی عیسی، لوقا ۱۳: ۱ تا ۵، گناه به هیچ وجه چیزی نیست که خدا آفریده باشد، بلکه شورش علیه خدای خالق است.

مفاهیم زیادی برای الهیات وجود دارد، از جمله این واقعیت که خدا به ما برکت، رفاه و سلامتی بدهکار نیست. آنچه او به ما بدهکار است عدالت است که به خودی خود نابودی ما را تضمین می‌کند. با این حال نکته من در راستای هدف این مقاله این است که این ستون، این ثابت در چشم‌انداز کتاب مقدس، به شدت با گناه گره خورده است.

نمی‌توان مدت زیادی در مورد پیچیدگی‌های تئودسیسه به شیوه‌ای وفادارانه به کتاب مقدس فکر کرد، بدون اینکه با آنچه کتاب مقدس در مورد گناه می‌گوید، دست و پنجه نرم کرد. و این فقط ستون اول است. ستون دوم درس‌هایی از انتهای کتاب مقدس است، جایی که باید در مورد جهنم، آسمان‌های جدید، زمین جدید رستاخیز، وجود، اورشلیم جدید، جهانی که هیچ چیز ناپاکی هرگز وارد آن نخواهد شد، فکر کنیم. فرد خیلی

پیش نمی‌رود تا متوجه شود که بحث دوباره حول موضوع گناه می‌چرخد.

ستون سوم، راز مشیت الهی است. در اینجا، فرد نه تنها با متون زیادی که در مورد حاکمیت خدا صحبت می‌کنند، بلکه با متونی که در مورد حاکمیت خدا بر جهانی که به شدت مملو از گناه است، صحبت می‌کنند دست و پنجه نرم می‌کند.

بررسی هر شش رکن و خلاصه کردن سهم آنها در پشتیبانی از یک تئودیه‌سه خوش‌ساخت و وفادار به کتاب مقدس آسان خواهد بود، اما نکته در هر مورد این است که اگر کسی سعی کند این ارکان را از تأملات عمیق در مورد گناه منتزع کند، هیچ معنایی نخواهند داشت. به طور خلاصه، گناه در همه مباحث جدی الهیاتی حضور دارد. این امر از کتاب مقدس الهام می‌گیرد.

خلاصه اینکه، اگر بخواهیم واقع‌بینانه در مورد اهمیت آموزه گناه در فرهنگ امروز فکر کنیم، باید با اهمیت ذاتی آن، جایگاه گناه در چارچوب تأملات الهیاتی تعیین‌شده توسط کتاب مقدس، شروع کنیم. وای! بخش دوم این مقاله بسیار مختصرتر است. گناه معاصر است.

اول از همه، اهمیت ذاتی گناه. حالا، اهمیت معاصر گناه. در این بخش، بر برخی از راه‌هایی که یک آموزه گناه مبتنی بر کتاب مقدس، برخی از ویژگی‌های عصر و موقعیت تاریخی ما را مورد توجه قرار می‌دهد، تمرکز خواهیم کرد.

سه نکته را ذکر می‌کنم. اول اینکه، ما در دورانی از خشونت و شرارت فوق‌العاده زندگی می‌کنیم. اول اینکه، تنها سال از پایان خونین‌ترین قرن می‌گذرد ۱۳.

تنها ۲۳ سال از زمانی که ما خونین‌ترین قرن تاریخ بشر را به پایان رساندیم، می‌گذرد. فقط یک هولوکاست وجود ندارد. به این موارد، کشتار یهودیان توسط نازی‌ها، گرسنگی دادن به ۲۰ میلیون اوکراینی توسط استالین، کشتار شاید، شاید، ما حتی نمی‌توانیم آن را اندازه‌گیری کنیم، ۵۰ میلیون چینی توسط مائوئیست‌ها قتل عام بین یک چهارم تا یک سوم جمعیت کامبوج، کشتار قبیله‌ای توتسی‌ها و هوتوها و پاکسازی‌های قومی مختلف را نیز اضافه کنید.

چگونه می‌توانیم خسارات مادی و روانی تروریسم در تمام اشکال آن، مصرف‌گرایی بی‌حد و حصر، و تمام خسارات ناشی از سوءمصرف مواد مخدر از انواع مختلف، از جمله الکلیسم را محاسبه کنیم؟ انقلاب دیجیتال که پیشرفت‌های چشمگیری در تحقیقات، پردازش داده‌ها و ارتباطات به همراه داشته است دسترسی به پورنوگرافی فوری را نیز برای ما فراهم می‌کند که خسارات غیرقابل توصیفی به روابط زن و مرد به طور کلی و به ویژه به ازدواج وارد می‌کند. آیا باید بی‌رحمی نژادپرستی، استثمار ضعیفان، و طمع و تنبلی در تمام اشکال آنها را نیز به آن اضافه کنیم؟ و در مورد آن گناهان عظیم و فراگیر که در درجه اول فقدان فضایل خاص هستند چه می‌توان گفت؟ کفر، بی‌تقوایی، بی‌دعا بودن، قلب‌های بی‌محبت، ناسپاسی. کم‌کم داریم می‌بینیم که این سخنرانی‌ها اکنون می‌توانند بسیار افسرده‌کننده شوند.

وای! با وجود شواهد فراوانی که از هر طرف ما را احاطه کرده است، بسیاری از افراد نسل ما خود را اساساً انسان‌های خوبی می‌دانند. دیدگاه‌های خوش‌بینانه فراوان است. اگر چیزهای بدی در دنیا وجود دارد، در درجه اول کارهایی است که دیگران انجام می‌دهند.

ادیان دیگر، نژادهای دیگر، احزاب سیاسی دیگر، نسل‌های دیگر، بخش‌های اقتصادی دیگر و خرده فرهنگ‌های دیگر. بدون شک هر نسلی خود را بهتر از آنچه واقعاً هست، می‌داند، اما در جهان غرب، این نسل چنین کوری اخلاقی را به بالاترین درجه رسانده است. به عنوان مثال، یکی از دلایلی که پدران بنیانگذار

ایالات متحده قانون اساسی با تقسیم قوا و سیستمی از کنترل و توازن را تدوین کردند، این بود که آنها معتقد بودند باید گام‌هایی برای محدود کردن گناه فراگیر، به ویژه شهوت قدرت، برداشته شود.

در مقابل، بسیاری در جامعه ما حتی از خطراتی که در همه جا کمین کرده‌اند، زمانی که یک یا چند بخش از حکومت یا جامعه بیش از حد نفوذ پیدا می‌کنند، آگاه نیستند. به طور خلاصه، اولین و بارزترین اهمیت معاصر موعظه یک آموزه قوی در مورد گناه این است که با فقدان تقریباً جهانی چنین آموزه‌ای روبرو می‌شود. به عبارت دیگر، اولین اهمیت معاصر آموزه‌های کتاب مقدس در مورد گناه این نیست که به خوبی با جهان‌بینی‌های معاصر سازگار می‌شود و بنابراین، راهی دلپذیر برای تعامل متفکرانه فراهم می‌کند، بلکه دقیقاً با فقدان و آگاهی دردناک و منحرف از گناه روبرو می‌شود.

در سراسر جریان تاریخ رستگاری، این یکی از کارکردهای اصلی شریعت بود: محکومیت گناه. اگرچه بسیاری از واعظان در سنت اصلاح‌شده با غلاطیان ۳ طوری رفتار کرده‌اند که گویی حکم می‌کند راه موعظه انجیل به افراد، شروع با شریعت است، با این اطمینان که شریعت نگهبان ماست، پیداگوگوس غلاطیان ۳:۲۴، تا ما را به نیازمان به مسیح و فیض الهی برساند. بررسی دقیق زمینه نشان می‌دهد که تمرکز این فصل بر نقش شریعت در تغییر مسیر فرد نیست، بلکه بر نقش شریعت در درام تاریخ نجات است.

اگر درک پولس از وعده‌ای که به ابراهیم داده شده است، آیات ۱ تا ۴، درست باشد، می‌توان پرسید که اصلاً چرا شریعت داده شده است. آیه ۱۹، چرا خیلی سریع از وعده به تحقق آن نمی‌پردازیم؟ پولس در جاهای مختلف، چندین پاسخ تکمیلی به این سؤال می‌دهد، اما بخشی از پاسخ این است که شریعت در کتاب مقدس، نقل قول، همه چیز را تحت کنترل گناه قرار داده است تا آنچه وعده داده شده بود، که از طریق ایمان به عیسی مسیح داده شده بود، به کسانی که به غلاطیان ۳:۲۲ ایمان دارند، داده شود. با این حال، این واقعیت که عهد شریعت باید تقریباً یک هزاره و نیم حکومت کند، نشان می‌دهد که برای خدا چقدر مهم بوده است که به پافشاری، تکرار، شنیع بودن، قدرت برده‌ساز و نفرت‌انگیز گناه انسان و ناتوانی مطلق، انسان‌ها برای رهایی از آن، اشاره کند. شورشیان انسانی چگونه می‌توانند به درگاه خدا برای فیض فریاد بزنند جز با ایمان به آنچه وعده داده شده است؟ به طور مشابه، نسلی که به طرز عجیبی از گناه خود بی‌اطلاع است، در حالی که غرق در گناه است، به شدت به یک آموزه قوی در مورد گناه نیاز دارد تا رستگاری را درک کند.

دوم، اگرچه پست مدرنیسم در شناسایی شر. دوم، امروزه کتاب‌های کمتری در تعریف و دفاع از پست مدرنیسم نسبت به ۱۵ سال پیش منتشر می‌شود. در اروپا، تقریباً هیچ کس دیگر آثار مایکل فوکو را نمی‌خواند، چه برسد به ژاک دریدا.

هنوز به برخی از دانشجویان کارشناسی آمریکایی دوزهای سمی از پست مدرنیسم تجویز می‌شود، اما دانشجویان تحصیلات تکمیلی به طور فزاینده‌ای از این دم‌نوش رویگردان شده‌اند. پست مدرنیسم، به عنوان یک پدیده معرفت‌شناختی و فرهنگی پیچیده، در بسیاری از نقاط جهان غرب تاریخ مصرف خود را پشت سر گذاشته است. با این وجود، بقایای آن، نتایج تخریب و زیاله‌های پست مدرنیسم را می‌توان در همه جا مشاهده کرد.

از جمله قابل توجه‌ترین نوشته‌ها، نوشته‌هایی هستند که تمایلی به شناسایی شر ندارند، عمدتاً با این فرض که درست و غلط، خیر و شر، چیزی بیش از ساختارهای اجتماعی نیستند. چنین محیطی ممکن است زمینه فرهنگی ایده‌آلی برای صحبت در مورد گناه به نظر نرسد. به نظر نمی‌رسد که بیماری مرتبط با نسبی‌گرایی اخلاقی، برای تأمل و بررسی در مورد آنچه کتاب مقدس در مورد گناه می‌گوید، چندان مساعد باشد.

با این حال، بار دیگر، نیاز به آن است که تأمل در کتاب مقدس در مورد گناه را تا این حد مرتبط می‌سازد. خصوصیت عمیق فرهنگی علیه مقوله گناه به این معنی است که بسیاری از واعظان ترجیح می‌دهند در مورد نقاط ضعف، اشتباهات، تراژدی‌ها، شکست‌ها، تناقضات، دردها، ناامیدی‌ها، کوری‌ها و هر چیزی غیر از گناه صحبت کنند. نتیجه این است که تصویر کتاب مقدس از خدا تحریف شده است، همانطور که نقشه رستگاری او نیز تحریف شده است.

درک آنچه کتاب مقدس در مورد گناه در این فرهنگ می‌گوید، بسیار دشوار است. از زاویه‌ای دیگر، همین دشواری، معیاری برای نیاز و بنابراین، اهمیت معاصر برخوردهای قاطع با گناه است. سوم، فضیلت والای تساهل جدید.

سوم، مجموعه‌ای از مسائل مطرح شده است که بدون یک آموزه کتاب مقدسی درست و حسابی در مورد گناه، به راحتی نمی‌توان به آنها پرداخت. یکی از این موارد، تمرکز فعلی بر مدارا است، اما مدارایی که به تازگی تعریف و جایگاه جدیدی پیدا کرده است. دی. ای. کارسون کتابی با عنوان «عدم تحمل مدارا» در سال ۲۰۱۲ نوشت.

خدای من. این موضع‌گیری جدید است که در حال حاضر توجه ما را به خود جلب می‌کند. در گذشته، مدارا در هر فرهنگی نسبت به یک سیستم ارزشی مورد توافق یا تحمیل‌شده، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، مورد بحث قرار می‌گرفت.

وقتی نظام ارزشی در فرهنگ جا افتاد، ناگزیر این پرسش‌ها مطرح شد که فرد تا چه حد می‌تواند از آن فاصله بگیرد تا با مجازات‌های قانونی، قضایی یا سایر مجازات‌های قهری مواجه شود. در چارچوب محدودیت‌ها بسیاری از فرهنگ‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که تا حدی مخالفت می‌تواند چیز خوبی باشد. تنها مستبدترین رژیم‌ها تقریباً هیچ گونه تحملی برای مخالفان قائل نمی‌شوند.

اما این یعنی خود نظام ارزشی مهم است. فضایل مدارا وابسته به خود نظام ارزشی است. و هر جامعه‌ای ببخشید، مهم نیست چقدر مدارا داشته باشد، بالاخره در جایی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند.

برای مثال، فرهنگ غربی به شدت پذیرای فعالیت‌های جنسی متنوع است، اما همه کشورهای غربی مرز مشخصی برای عمل پدوفیلی قائل هستند. خدا را شکر. با این حال، در حال حاضر در بخش عمده‌ای از جهان غرب، اجماع فرهنگی بسیار کمی در مورد درست و غلط، خیر و شر، تقدس و گناه وجود دارد، در حالی که مدارا به بالاترین نقطه در سلسله مراتب اخلاقی ارتقا یافته است.

اینطور نیست که ما آگاهانه این قدم را برداشته باشیم. بلکه، به دلایلی که سعی کرده‌ام در جای دیگری به طور خلاصه بیان کنم، مدارا از حقیقت، اخلاق یا هر سیستم ارزشی رایج مهم‌تر شده است. مدارا به یک خیر برتر، خدای برتر در معبد فرهنگ تبدیل می‌شود، در عرصه‌ای از وجود که اغلب با کلیشه‌های ساده‌ای استدلال می‌کند که اهداف مطلوب بسیار کمی مورد توافق دیگر دارند. طنز پیچیده این است که کسانی که سرسختانه به فضیلت والای این مدارای جدید پایبند هستند، روی هم رفته، نسبت به کسانی که با آنها موافق نیستند، به شدت بی‌تحمل هستند.

هدف من از پرداختن به این بحث حاشیه‌ای این است که اشاره کنم سرنگونی این تساهل جدید و نامتساهل به شدت به یافتن یک نظام ارزشی بستگی دارد که چیزی بیش از تساهل جدید را ارج نهد. وقتی یک طرف به جای دست و پنجه نرم کردن با مسائل اساسی، طرف دیگر را به عنوان فردی نامتساهل طرد می‌کند و در فرهنگ به خاطر این کار مورد تشویق قرار می‌گیرد، بحثی پخته و پایدار، مثلاً در مورد عقلانیت یا عدم

عقلانیت پیش‌بینی ازدواج همجنس‌گرایان در قانون، دشوار است. اگر این تساهل جدید مهار نشود، دیر یا زود بسیاری از مردم را به زنجیر خواهد کشید.

برای اینکه این [مفهوم/ایدئولوژی/...] به چالش کشیده شود، باید یک نظام ارزشی فرهنگی وجود داشته باشد که ارزشمندتر و والاتر از خود تساهل جدید تلقی شود. و یکی از عناصر ضروری برای دستیابی به این هدف، بازسازی دیدگاهی قوی نسبت به گناه و بنابراین، خیر و شر در فرهنگ است. به طور خلاصه، اهمیت معاصر آموزه‌های کتاب مقدس در مورد گناه، اولاً زمانی به بهترین شکل درک می‌شود که جایگاه گناه در خود کتاب مقدس درک شود، و ثانیاً زمانی که دریابیم فرهنگ ما چقدر شدیداً نیاز دارد که دوباره با آنچه کتاب مقدس در مورد گناه می‌گوید، شکل گیرد.

مقاله دی. ای. کارسون. امیدوارم آن را آموزنده، روشنگر و حتی هشداردهنده یافته باشید، و مانند من، هشدار ا ارائه دهید. در همان کتاب با عنوان «سقوط کرده» که من با مورگان به طور مشترک ویرایش کردم، استاد سابق او، جان دبلیو. ماهونی، «الهیات گناه برای امروز» را نوشته است.

اگر از منظری پس از هبوط به گناه بنگریم، در زمینه‌ای دیگر، با قدردانی از ریچارد گافن از مدرسه علمیه وست‌مینستر در فیلادلفیا و نوشته‌های حکیمانه‌اش، استدلال کرده‌ام که مهم‌ترین تمایز در کتاب مقدس آن چیزی نیست که در عبرانیان ۱:۱ و ۲ خلاصه شده است، یعنی عهد عتیق و عهد جدید، بلکه مهم‌ترین تمایز پیش از هبوط و پس از هبوط است، زیرا هبوط و گناه ناشی از آن و پیامدهای آن همه چیز را تغییر می‌دهد. البته در این میان، دو عهد، بخش بسیار مهم آن هستند. در رابطه با دیدگاه پس از هبوط، گناه جنبه‌ها و عبارات بسیار متفاوتی دارد.

کتاب مقدس همچنین از مجموعه‌ای از اصطلاحات برای گناه استفاده می‌کند و آن را به روش‌های مختلفی توصیف می‌کند. در ادامه خلاصه‌ای از کاربرد کتاب مقدسی این اصطلاح آمده است و به عنوان توضیحی از واقعیت پس از سقوط عمل می‌کند. بنابراین، ما اکنون واقعاً با توصیف کتاب مقدسی از گناه سر و کار داریم.

گناه هم شکست در جلال دادن خداوند و هم عملی از سرکشی علیه معیارهای تعیین‌شده‌ی اوست. این واقعیت دوگانه، هم فقدان عدالت خدا و هم وجود طغیان انسان را منعکس می‌کند. هر گناه، فکر، کلام یا عملی دارای این مؤلفه‌های دوگانه است.

تحلیل لغوی اصطلاحات کتاب مقدس به وضوح این دوگانگی را نشان می‌دهد. کتاب مقدس از کلمات مختلفی برای گناه استفاده می‌کند که نشانه‌ای از غنا و اهمیت این مفهوم است. با این حال، تنوع معنایی بین اصطلاحات یونانی و عبری را می‌توان به دو مورد محدود کرد.

اولین دسته، عباراتی هستند که گناه را به عنوان یک شکست، یک کوتاهی در انجام وظیفه تلقی می‌کنند. در این معنا، گناه، کوتاهی در حفظ شریعت خداست. بی‌قانونی، اول یوحنا ۳:۴. فقدان عدالت خدا، رومیان ۱:۱۸. بی‌احترامی به خدا، رومیان ۱:۱۸، ۱۵:۱۸.

امتناع از دانستن، افسسیان ۴:۱۸. و از همه مهم‌تر، کوتاهی از جلال خدا، از دست دادن هدف، رومیان بنابراین، گناه، ویژگی گمشده در هر عمل انسانی است که باعث می‌شود خداوند به طور کامل جلال ۳:۲۳ نیابد. به عنوان مثال، آیا هیچ یک از ما می‌توانیم تأیید کنیم که خدا را کاملاً آنطور که او می‌خواهد دوست داشته‌ایم؟ ادعای چنین چیزی حماقت است. وقتی عنصر عشق کامل به خدا، دیگران و خودمان، حتی خودمان، از تمام اعمال، انگیزه‌ها، بخشید، از تمام نگرش‌ها، انگیزه‌ها، کلمات یا اعمال ما غایب باشد، آنها را در برابر خداوند زشت و زننده می‌کند.

آگوستین این جنبه منفی گناه را فقدان، فقدان صفت نیکویی که ذاتی خلقت است، نامید. او همچنین این فقدان را جوهره همه گناهان معرفی کرد. شهر خدا، شهر خدای آگوستین، 9.13، فصل 9، بخش 13

مجموعه دیگری از اصطلاحات، جنبه مثبت یا فعال گناه را نشان می‌دهند. کلماتی مانند تجاوز یا انحراف از مسیر مقرر، تجاوز و شنیدن که منجر به نافرمانی می‌شود، بر مقاومت پویا یا نافرمانی در پرتو فرامین خدا تأکید دارند. عمل آدم در باغ عدن با هر یک از این اصطلاحات مشخص می‌شود.

در هر رومیان ۵: ۱۴، تجاوز. نافرمانی، رومیان ۵: ۱۵-۱۸، تجاوز، نافرمانی، ۵: ۱۹، تجاوز، ۵: ۱۸-۱۵ مورد، تمرکز بر یک قانون شکسته است. گناه پس از سقوط، هم شکست در انعکاس معیار کامل خدا و هم عملی از سرکشی علیه معیارهای اوست.

پولس همچنین در افسسیان ۱: ۲ جنبه دوگانه گناه را تقویت کرد، که در آن مرگ روحانی را در گناهان و خطاها توصیف کرد. گناه هم شخصی و هم اجتماعی است. گناه، طبق تعریف، عملی عمدی است.

این گناه در باغ عدن با یک گناه فردی آغاز شد. کلمات مختلف کتاب مقدس در درجه اول به گناه شخصی مربوط می‌شود. حتی تعلیم پولس در مورد جهانی بودن گناه در رومیان ۱: ۳ به اعمال یا سخنان افراد اشاره دارد.

با این حال، گناه چیزی بیش از صرفاً گناه شخصی است. واقعیت پس از سقوط، خطاهای اجتماعی را نیز شامل می‌شود. به طور خاص، گناه اجتماعی دو بُعد دارد.

اولاً، هر عمل گناه آلود فردی، کل شبکه انسانی را مختل می‌کند. کلمات و اعمال فردی، پیامدهای اجتماعی را به حرکت در می‌آورند. همه انتخاب‌های انسانی به هم مرتبط هستند.

فردریک بوکتر، بافت انسانی را به تار عنکبوتی تشبیه کرد که در آن هر آشفتگی، نقل قولی، کل آن را به لرزه درمی‌آورد. گناه یک مرد، عخان، منجر به شکست اسرائیل در مکانی کوچک به نام عای شد، یوشع ۷. در شرایط معاصر، ردیابی پیامدهای خشونت خانگی، جرایم ناشی از نفرت، پورنوگرافی و طلاق بر خانواده‌ها و بافت فرهنگی بزرگتر دشوار نیست. گناه اجتماعی همچنین در ساختارهای اجتماعی که شر تعصب، نفرت و تعصب را ترویج می‌دهند، منعکس می‌شود.

در مورد شرکت انتشاراتی بزرگی که فشار زیادی بر سردبیران و روزنامه‌نگاران وارد می‌کند تا اولین کسی باشند که داستان را منتشر می‌کند، مهم نیست که روش‌های آنها چقدر غیراخلاقی باشد؟ موقعیت‌های زیادی به ذهن خطور می‌کند که در آنها فرهنگ فریب برای محافظت از سازمان ایجاد می‌شود. در مورد مؤسساتی که تحت سلطه فرهنگ بی‌اعتمادی هستند و کارمندان را در یک چرخه معیوب شایعات و کنایه‌ها در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند، چطور؟ یکی از مؤلفه‌های اصلی رسالت نبوی در اسرائیل، مقابله با گناهان اجتماعی بود که عهد را نقض می‌کرد و داوری خداوند را برمی‌انگیزاند. از چرخه ارتداد تا داوری تا توبه و بازگشت، دوره داوران نشان دهنده گرایش مداوم جامعه به سمت بت‌پرستی است.

یک توضیح، مطالعه من در مورد بهره‌گیری از محققان عهد عتیق به من می‌گوید که شاید فقط یک جا در میان داوران وجود داشته باشد که توبه واقعی، یا بهتر بگویم، فریادی از سر ناامیدی به درگاه خدا وجود دارد. که او مجازات را تسکین می‌دهد، که او درد را تسکین می‌دهد، نه یک توبه واقعی از صمیم قلب به سوی خدا اسرائیل از طریق گناهان یربعام تحت داوری خدا قرار گرفت. نقل قول، او اسرائیل را به دلیل گناهان یربعام که مرتکب شد و با آنها اسرائیل را به گناه کشاند، رها خواهد کرد.

اول پادشاهان ۱۶:۱۴. بارها و بارها، چنین چیزهایی را می‌شنوید. او بارها و بارها گناهان پدرش، یربعام، را مرتکب شد.

در انبیای بعدی، عاموس علیه بی‌عدالتی موعظه می‌کرد. عاموس ۱۲:۵. «زیرا می‌دانم که خطاهای تو بسیار و». گناهانت عظیم است. تو که عادلان را آزار می‌دهی و رشوه می‌گیری و فقیران را در دادگاه طرد می‌کنی

اشعیا ارتداد قوم از خدا را افشا کرد. اشعیا ۲:۱ تا ۴. و همچنین فساد در نظام حقوقی. اشعیا ۱:۱۰ تا ۴. ارمیا قوم را به خاطر رفتارشان با یتیمان متهم کرد. ارمیا ۲۸:۵-۲۹.

کتاب یونس پرده از روی دیگر ناسیونالیسم یهودی برمی‌دارد، فرقه‌گرایی‌ای که بی‌اعتمادی و نفرت ملی ایجاد می‌کرد.

سوم، گناه عملی آگاهانه است، همانطور که وضعیت فعلی وجود انسان چنین است. واقعیت پس از سقوط، تمام وجود سرکش ما، آنچه انجام می‌دهیم و همچنین آنچه هستیم را در بر می‌گیرد.

گناه یک عمل شخصی است. از انتخاب فردی ناشی می‌شود و بنابراین، موضوعی مربوط به مسئولیت است. حزقیال ۴:۱۸. دانش‌آموزی که در امتحان تقلب می‌کند، نه تنها اصول اخلاقی مدرسه را نقض می‌کند، بلکه معیارهای اخلاقی خدا را نیز زیر پا می‌گذارد.

شوهری که با ارتکاب زنا به عهد و پیمان زناشویی خود خیانت می‌کند، عمداً گناه می‌کند. در هر مورد، یک انتخاب شخصی صورت می‌گیرد. گناه عملی عمدی است.

هر عمل گناه آلودی از یک وضعیت یا حالت وجودی گناه آلود سرچشمه می‌گیرد که آن نیز گناه است. سنگدلی و بی‌ایمانی گناه هستند. عبرانیان ۱۲:۳.

از قلبی شریر و کافر سخن می‌گویند که از خدای زنده رویگردان می‌شود. نقل قول پایانی. گناهان شخصی صرفاً وقایعی جداگانه نیستند.

تمام اعمال و گفتار ما منعکس کننده شخصیت ماست. متی ۱۷:۷. درخت بد، میوه بد می‌دهد.

ما کاملاً مسئول اعمال گناه‌آلود خود و همچنین وضعیت گناه‌آلودی هستیم که در آن هستیم، هرچند نمی‌توانیم هویت خود را تغییر دهیم. «آیا یک حبشی می‌تواند پوست خود را یا یک پلنگ خال‌های خود را تغییر دهد؟ پس شما نیز که به بدی عادت کرده‌اید، می‌توانید نیکی کنید، اما نمی‌توانید.» (ارمیا ۲۳:۱۳)

کتاب مقدس همچنین از اصطلاحات گناه و گناهان به شیوه‌ای ظریف و دقیق استفاده می‌کند. برای مثال، اول یوحنا ۱۸ تا ۱۰. یکی وضعیت گناه است و دیگری به اعمال جداگانه گناه اشاره دارد.

رابرت کالور این تمایز را روشن کرد. مطالعه دقیق کتاب مقدس، تمایزی اساسی بین گناه و گناهان را آشکار می‌کند. این موضوع را می‌توان به وضوح در ارتباط با دو متن مشابه اما با تفاوت‌های ظریف درک کرد.

یعنی، او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد. متی ۲۱:۱. و نقل قول کنید، این است بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد.

یوحنا ۱:۲۹. گناهان اولیه آشکارا اشاره به اعمال شیرانه فراوان مردم است. اشاره اخیر، گناه جهان، از تقصیر جهان در برابر خدا سخن می‌گوید که همه مردم در آن سهیم هستند.

رابرت کالور، الهیات سیستماتیک. توضیح الهیاتی برای این موضوع، گناه نخستین نامیده می‌شود. این آموزه شامل عمل تاریخی خیانتی است که آدم در پیدایش ۳:۱ و آیات بعدی مرتکب شد.

این واقعیت که همه مردم با بیگانه بودن از خدا وارد وجود انسانی می‌شوند. مزمور ۵۱:۵. افسسیان ۲:۱. و به دلیل گناه آدم و وضعیت مداوم عصیان علیه خدا که در آن زندگی می‌کنیم و همه اعمال گناه‌آلود از آن سرچشمه می‌گیرند، گناهکار اعلام می‌شوند. ما، به قول معروف، ذاتاً فرزندان خشم هستیم.

افسسیان ۲:۳. نقل قول، گناه نخستین گناهی نیست که کسی مرتکب شود. این گناه در ذات و وجود انسان ریشه دارد، به طوری که حتی اگر حتی یک فکر بد هم از ذهن انسان نگذرد، هیچ کلمه بیهوده‌ای از لب‌هایش بیرون نرود و هیچ عمل بدی از دست‌ان‌ش صادر نشود، ذات انسان همچنان به دلیل این گناه فاسد خواهد بود. این گناه در ما زاده می‌شود و منشأ همه گناهان واقعی است، چه از افکار، کلمات یا اعمال بد تشکیل شده باشند.

اول اکتبر ۱۹۵۲، CTM، نقل قول نزدیک. والتر نیگل، گناه به عنوان علت خشم خدا.

فیلیپ هیوز توضیح می‌دهد، نقل قول می‌کند، دکترین گناه نخستین فرض می‌کند که اولین گناه انسان اول آدم، که باعث هبوط شد، به یک معنا گناه تمام بشریت است و بر این اساس، طبیعت انسان به فساد آن گناه آلوده شده و نژاد بشر به عنوان یک کل، گناه خود را به دوش می‌کشد. گناه، مقوله بعدی را منعکس می‌کند که فساد عمیق قلب انسان است. کتاب مقدس از تعدادی استعاره تصویری برای توصیف وضعیت انسان در گناه استفاده می‌کند که از نظر الهیاتی به آن تباهی می‌گویند.

بیماری‌های جسمی مانند نابینایی، فقدان بینایی، ناشنوایی، فقدان شنوایی، لالی و فقدان توانایی صحبت کردن، یک جزء حیاتی از دست رفته را در هر مورد برجسته می‌کنند. این شرایط جسمی به خودی خود گناه نیستند عیسی به وضوح در یوحنا ۹ به این موضوع اشاره می‌کند، اما به عنوان تصویری از وضعیت معنوی گناهکاران عمل می‌کنند. استعاره‌ها برای گناه فراوانند و به عنوان منبع بزرگی برای درک فساد انسان عمل می‌کنند.

گری اندرسون تغییر استعاره‌ها را از تأکید عهد عتیق بر گناه به عنوان یک بار، به تأکید عهد جدید بر بدهی مستند می‌کند. متی ۶:۱۲، در دعای ربانی، و بدهی‌های ما را ببخش، همانطور که ما بدهکاران خود را می‌بخشیم. در میان این توصیفات از وضعیت انسان، کمتر توصیفات به اندازه تحلیل کتاب مقدس از قلب انسان، گویا و گویا هستند.

عیسی قلب را به عنوان چشمه‌ای تصویر می‌کند که انواع گناهان را بیرون می‌ریزد، متی ۱۵:۱۹ تا ۲۰، مرقس ۷:۲۱. من حداقل باید یکی از آنها را بخوانم. عیسی می‌گوید، چه دست‌های خود را بشوید چه ۷:۲۱ نشوید، شما را از نظر روحانی نجس نمی‌کند، بلکه آنچه از دهان بیرون می‌آید از قلب سرچشمه می‌گیرد و این شخص را نجس می‌کند.

زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، فساد جنسی، دزدی، شهادت دروغ و تهمت سرچشمه می‌گیرد. اینها چیزهایی هستند که انسان را نجس می‌کنند، اما غذا خوردن با دست‌های ناشسته کسی را نجس نمی‌کند. در ارمیا ۱۷:۹، دل به عنوان موجودی فریبکار، بیمار و کاملاً کدر توصیف شده است.

نقل قول، چه کسی می‌تواند آن را بفهمد؟ آیه بعدی می‌گوید، من، خداوند، قلب را تفتیش کردم. شرارت بزرگی که قبل از سیل آمد، از فساد قلب ناشی شد، پیدایش ۵:۶ و ۲۱:۸. امثال ۴:۲۱ اعلام می‌کند: «چشمان متکبر و دل مغرور. چراغ شریبان گناه است.» اعمال شیطانی از قلب شروع می‌شود، حزقیال ۱۱:۲۱

اما کسانی که دلشان از چیزهای نفرت‌انگیز و پلید پیروی می‌کند، من کردارشان را بر سرشان فرود خواهم آورد.» در هوشع ۲:۱۰، مردم به دلیل بی‌ایمانی دلشان گناهکار شمرده می‌شوند.

عیسی تعلیم داد که کسی که به ناحق در دل خود زنی را آرزو می‌کند، از دل با او زنا می‌کند، متی ۵:۲۸. پولس ادعا کرد که به دلیل لجاجت شما، من از دلی توبه‌نکرده نقل قول می‌کنم، شما خشم را برای خود در روز خشم و طغیان و در روز خشم و آشکار شدن داوری عادلانه خدا ذخیره می‌کنید، رومیان ۲: ۵. نویسنده عبرانیان قلب را کافر می‌نامد، عبرانیان ۱۲: ۳. به طور کلی، قلب یک مکانیسم جداگانه در انسان نیست، بلکه کل وجود انسان است که از عمیق‌ترین جنبه وجودی او دیده می‌شود.

بنابراین، اعمال گناه‌آلود زندگی یک فرد، آینه‌ای از وضعیت قلب او در برابر خداست. در سخنرانی بعدی‌مان این دوره را ادامه خواهم داد و به موضوعاتی از این دست خواهم پرداخت. گناه همزمان شامل ارتکاب، قصور و نقص است.

گناه شامل خلق و خوی ما و اعمال نافرمانی ما می‌شود. گناه شامل احساس گناه، یک مفهوم بسیار مهم می‌شود. گناه توهینی شخصی به خدای کتاب مقدس و شخصیت صالح اوست.

گناه عنصری سرکش در خلقت خداست و همیشه وجود نخواهد داشت. گناه، شکست در به تصویر کشیدن خالق به جهان است. گناه خشم خدا را برمی‌انگیزد.

از یادداشت‌های خودم اضافه می‌کنم که گناه فریبنده است. و در آخر، گناه آغاز مشخصی در تاریخ بشر داشته و سرانجام شکست خواهد خورد. از توجه و علاقه‌ی شما به این موارد متشکرم.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های انسانیت و گناه است. این جلسه 10، اهمیت معاصر گناه است. ماهونی، الهیات گناه برای امروز: توصیف کتاب مقدسی گناه